



جغرافیا و روابط انسانی، زمستان ۱۴۰۳، دوره ۷، شماره ۳، صص ۲۰۴-۱۸۹

تحلیلی بر نظریه‌های تبیین کننده مفهوم شهر در ایران

مهدی برنافر^۱

۱- نویسنده مسئول، استادیار دانشگاه گیلان، دانشکده معماری و هنر، رشت، ایران. رایانامه:

mahdi.bornafar@guilan.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۷

چکیده

تحلیل ماهیت شهر و عوامل به وجود آورنده آن از اهمیت زیادی در میان نظریه پردازان و پژوهشگران برخوردار است. از آنجا که شهرنشینی جریانی ریشه‌دار در تاریخ ایران زمین است، نظریات و دیدگاه‌های متفاوتی سعی کرده‌اند که با رویکردهای کلان و نظری به تبیین وجوه و عوامل موثر بر پیدایش شهر و مولفه‌های آن در ایران بپردازند؛ که از این میان می‌توان به نظریه شیوه تولید آسیایی، دیدگاه وبر در خصوص ماهیت شهرهای شرقی، نظریه سرمایه‌داری بهره‌بری، نظریه از شار تا شهر، نظریه آبادی و نظریه دولت و شهرنشینی اشاره نمود. این مقاله با تحلیل نظریات حاکم در عرصه فکری شهر و شهرسازی در ایران، به دنبال پاسخ به این سوال است که چه عوامل و مولفه‌های مشترکی را می‌توان در میان نظریه‌های مختلف به‌عنوان مهمترین عوامل موثر بر پیدایش و شناخت شهر در ایران محسوب نمود. بدین ترتیب این تحقیق اساساً بر مبنای مطالعات نظری استوار بوده و از روش اسنادی برای دستیابی به اهداف خود بهره می‌برد. نتایج حاصل از تحلیل نظریات مذکور نشان می‌دهد همه نظریات مورد بحث گرچه به نوعی پویایی نظام شهری در ایران از بعد تاریخی را توضیح می‌دهند ولی عوامل موثر بر برتری یک سکونتگاه به دیگر سکونتگاه‌ها برای شناخته شدن به‌عنوان شهر را تبیین نمی‌کنند. این پژوهش نشان می‌دهد شهر در ایران از نظر تاریخی اساساً در پیوند با دو عملکرد حاکمیتی و تجاری تعریف می‌شود و دخالت این دو عامل در شناخت سکونتگاه‌ها به‌عنوان شهر، بیشترین نمود را داشته است.

واژه‌های کلیدی: شهر، شهرنشینی، دولت، تجارت.

مقدمه

نظریه پردازان مختلفی سعی کرده اند تا با مطالعه جریان تاریخی شهرنشینی، عوامل موثر بر پیدایش شهرنشینی و مولفه های تعریف کننده شهر را تبیین کنند. این امر از آنجا ناشی می شود که ضرورت دستیابی به نظریه علمی، از جمله عواملی است که اهمیت پیوستن گذشته و اکنون را بیشتر می کند و این پیوند بدون درک درستی از گذشته و بند و بست های درونی آن شدنی نخواهد بود (شقایق، ۱۳۹۰، ۲۸). در کنار این حقیقت که هر شهر خصوصیت و محیط طبیعی خود را دارد می توان این تفاوت ها را در چارچوبی مشخص مورد شناسایی قرار داد (طیبیان، ۱۳۷۶)، بسیاری بر این باورند که می توان بر اساس دیدگاه های کلان نظری به تبیین ماهیت شهرها و عوامل موثر بر پیدایش، رشد و زوال آنها پرداخت. در این پژوهش ضمن مرور نظریات مرتبط با شهر و شهرنشینی در ایران سعی خواهد شد که عوامل اساسی موثر بر پیدایش شهر در ایران و مولفه های اساسی شهر ایرانی مورد کنکاش قرار گیرد. لذا این مقاله، به دنبال پاسخ به این است که چه ویژگی های مشترکی در میان تعاریف نظریه پردازان مختلف برای شهر ایرانی بیان شده و چه عوامل مشترکی را می توان در میان نظریه های مختلف به عنوان مهمترین عوامل موثر بر پیدایش شهر و شهرنشینی در ایران محسوب نمود.

روش تحقیق

مقاله حاضر در پی تبیین عوامل موثر بر پیدایش شهر در ایران و تبیین ویژگی های شهر ایرانی از منظر نظریات مطرح شده در باب پیدایش شهر در ایران است. بدین ترتیب این تحقیق اساساً بر مبنای مطالعات نظری استوار بوده و از روش اسنادی برای دستیابی به اهداف خود بهره می برد.

نظریات کلان تبیین کننده پیدایش شهر و نظام شهرنشینی در ایران

اینکه زمینه ها و عوامل موثر بر پیدایش شهر و شهرنشینی در ایران چه ویژگی هایی داشته اند، از جمله موضوعات مهم مورد بحث در تاریخ شهر و شهرسازی ایران محسوب می شود. به طور کلاسیک نظریه های برجسته در باب علل پیدایش شهرها را می توان شامل نظریه هیدرولیک، نظریه اقتصادی، نظریه پایگاه نظامی و نظریه مذهبی بر شمرد. برخی پژوهشگران عوامل موثر بر پیدایش شهر در ایران را بر مبنای معرفی برخی عوامل و عناصر مورد تحلیل قرار می دهند؛ برای مثال ستوده (۱۳۴۸) ضمن مطالعه خود در خصوص شهر قزوین، معتقد است سه عامل باعث به وجود آمدن شهر می شود و گاهی دو یا سه عامل با هم دخالت دارند. این عوامل عبارتند از:

- اراده شخص معینی از قبیل سلطان و یا حاکم در زمان قدیم و یا تصمیم دولت. چنین شهرهایی بیشتر از نظر مصالح سیاسی یا نظامی به وجود می آید و اغلب روی بلندی و دامنه های کوه ها بنا می شود تا مدافعه از آن آسان گردد.
- عوامل تجارتي و اقتصادی و مبادلات بازرگانی. این گونه شهرها یا در سواحل دریاها و دریاچه ها به صورت بندر ایجاد می شود و یا در کنار جاده ها و محل تقاطع طرق ارتباطیه به وجود می آید.
- عوامل جغرافیایی و یا اجتماعی مثل وجود چشمه آب گرم، زیارتگاه، مراکز علمی و ادبی. این شهرها اغلب در جلگه های حاصل خیز و مستعد بنا می شود.

طیبیان (۱۳۷۶) در خصوص عوامل موثر بر شکل گیری و تکامل شهرهای ایران به عواملی چون ۱. آب ۲. حکومت ۳. تجارت ۴. بازار ۵. وابستگی های شهر و ناحیه در ایران ۶. راه ۷. سازه های مذهبی اشاره می کند. از نظر سلطانزاده نیز عوامل اداری-

سیاسی، نظامی، مذهب و بازرگانی-تولیدی (اقتصاد)، از مهمترین عوامل شکل‌گیری شهرها بوده‌اند؛ اما مهم‌ترین عامل شکل‌گیری شهرها در ایران، بنا بر نظر وی عامل اداری-سیاسی است (سلطان زاده، ۱۳۹۰، ۶۸).

در مقابل گروهی دیگر از نظریه پردازان به تبیین‌های عمومی‌تر از عوامل موثر بر پیدایش شهر و ویژگی‌های شهرنشینی در ایران توجه دارند. از نظر پیران، در مورد جامعه ایران به طور کلان و نحوه پیدایش شهر در آن، چندین نظریه مطرح شده است که عبارتند از: تعمیم نظریه دوره‌بندی تاریخ اروپای غربی قاره‌ای که به اشتباه به مارکس نسبت داده می‌شود. نظریه «پاتریمونالیسم» که به نظریه ارباب-رعیتی تعبیر شده است. نظریه «شیوه تولید آسیایی» که از میان نظریه‌های یاد شده بیش از همه برای توضیح شرایط ایران مناسب است. بالاخره نظریه «استبداد آسیایی یا شرقی» که نزد متفکران مختلف بر مفاهیم کلیدی متفاوتی استوار است (پیران، ۱۳۸۴a). چاپچیان (۱۳۹۱) نیز سه رویکرد را در بازشناسی تاریخ شهر و شهرنشینی ایران مطرح می‌کند: ابتدا رویکردی که ترکیبی از مفهوم شیوه تولید آسیایی مارکس و مفهوم استبداد شرقی وبر است به طور خاص در آثار احمد اشرف دیده می‌شود. رویکرد دوم شامل کارهای پطروشفسکی و دیگران ایران‌شناسان شوروی است که بر پایه نظریه تک خطی مارکس تاریخ ایران را به چهار دوره کمون اولیه، برده‌داری، فئودالیزم و سرمایه‌داری تقسیم کرده و ایران از قرن ۱۶ تا ۱۸ (دوره صفوی) را به عنوان دوره فئودالی و قرن ۱۹ (حکومت قاجار) را مترادف با فروپاشی فئودالیزم نتیجه استعمار می‌داند. سوم محققانی که توسعه پیش سرمایه‌داری ایران را در قالب شیوه‌های تولید به هم آمیخته و آن را درون شکل‌بندی اجتماعی ایران تحلیل می‌کنند. با این حال این دسته نظریات بیش از آنکه به ماهیت شهر و شهرنشینی در ایران توجه داشته باشند به ماهیت فرمایشیون‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه ایران توجه دارند و از شهر به عنوان متغیری در جهت تبیین این فرمایشیون‌ها استفاده می‌کنند.

به نظر نگارنده، چند نظریه وجه مناسب بیشتری در تبیین پیدایش شهر و روابط شهرنشینی در ایران دارند که عبارتند از: ۱. نظریه شیوه تولید آسیایی برگرفته از آرای کارل مارکس و کارل ویتفولگ ۲. نظریه ماکس وبر در خصوص شهرهای شرقی ۳. سرمایه‌داری بهره‌بری هانس بوبک ۴. نظریه تداوم تاریخی (از شار تا شهر) سید محسن حبیبی ۵. نظریه آبادی پرویز پیران ۶. نظریه دولت و شهرنشینی محمدتقی رهنمایی. هر یک این نظریات با توسل به شواهد تاریخی و به گونه‌ای خاص سعی در تحلیل عوامل و زمینه‌های پیدایش و شکل‌گیری شهر و شهرنشینی در طول تاریخ ایران دارند.

نظریه شیوه تولید آسیایی

به نوشته احمد اشرف (۱۳۶۰)، مارکس چه در کتاب ایدئولوژی آلمانی و چه در آثار بعدی خود، به خصوص در یادداشت‌های سال‌های ۵۸-۱۸۵۷ که بعدها به نام صورت اقتصادی، اجتماعی پیش از سرمایه‌داری (Marx, 1964, 77-78) منتشر شده است، به تشریح انواع اجتماعات شهری در رابطه با اجتماعات روستایی و نظام‌های سیاسی پرداخته و چگونگی این روابط را از عوامل بنیانی شکل گرفتن دوره‌های عمده تاریخی دانسته است. بر اساس تحلیل مارکس مکان اقتصادی-استراتژیک و شرایط محیطی مناسب جغرافیایی همچون دسترسی به منابع آب، از عوامل اصلی برای بنای شهرهای آسیایی بوده‌اند (چاپچیان، ۱۳۹۱، ۵۹). به نظر مارکس، شهرهای شرقی و خاورمیانه چه در دوران باستان و چه در دوره اسلامی، ویژگی‌هایی دارند که آنها را هم از شهرهای رومی و یونانی عهد باستان و هم از شهرهای فئودالی اروپا در قرون وسطی متمایز می‌کند؛ چیزی که بعدها نظام تولید آسیایی نام می‌گیرد. ویژگی اساسی نظام آسیایی عبارت است از وحدت صنایع دستی و کشاورزی در اجتماع ده که به خاطر همین ویژگی عمده، تمام لوازم تولید نسل و تولید اضافی را در قلمرو خود دارد. هر جا که چنین واحدهای کوچکی وجود داشته باشد، ممکن است بخشی از تولید اضافی صرف هزینه‌های اجتماع بزرگ‌تر مانند هزینه‌های جنگ، امور دینی و مانند آن و یا صرف عملیات ضروری اقتصادی مانند آبیاری و نگهداری تأسیسات عمومی و ارتباط شود که به دست اجتماع بزرگ‌تر بنا

شده و از شهرها رهبری می‌شود. بسته بودن این واحدها بدین معنی است که شهرها چندان به شالوده اقتصادی جامعه تعلق ندارند (اشرف، ۱۳۶۰). لذا در این دیدگاه شهرها وابسته به حضور طبقه حاکمه و رونق تجارت و بازرگانی هستند و ماهیتی استعماری با روستاها برقرار می‌کنند.

نظریه ماکس وبر درباره خصوصیات شهرهای شرقی و خاورمیانه

وبر بر آن است که نشان دهد چگونه شهر به عنوان مکان طرحی جمعی، نوعی استراتژی را اتخاذ می‌کند که بتواند با ایجاد دگرگونی در جهت کسب قدرت پیش رود. وی اساساً شهر غربی را به عنوان محل تولد اشکال جدیدی از قدرت تحلیل می‌کند و بر اصالت این شهرها تأکید می‌ورزد (رمی، ۱۳۵۸). او شهر را نوعی کامیونیتی می‌داند که دارای برج و بارو، بازار، قانون مدنی، دادگاه با هیئت منصفه و منشور یا قانون اساسی شهری است و محدوده شهری عامل وحدت بخش اجتماعی و حقوقی است. با معیارهای وبر، شهرهای شرقی بیشتر از قرارگاه فرمانروایان و کارگزاران اداری دستگاه حکومتی اجتماع بزرگ‌تر سیاسی بوده‌اند و از همین رو شهرهای آسیایی دارای دستگاه قضایی، که حاکم بر امور شهروندان آزاد در شهری خودفرمان باشد، نبودند و دادگاهی نداشتند که اهالی شهر آن‌ها را منصوب کرده باشند. بر پایه چنین تعریفی ادعا می‌کند در دنیای اسلام شهر تنها از نظر اقتصادی یعنی وجود بازار شهر است (پیران، ۱۳۸۴). از نظر وبر در شرق هویت فردی از دریچه وابستگی به عشیره، انجمن خانوادگی (کلان) و بر اساس پیوندهای خونی و خاستگاه جغرافیایی تعریف می‌شد و نه به علت تعلق به شهر و ساکنین این سکونتگاه‌ها، خود را به روستا، قبیله، عشیره خود وابسته دانسته و خود را اهل شهر نمی‌دانستند. او اساساً مقایسه شهرهای شرقی و غربی را برای روشن‌تر شدن تبیین خود از شهرهای غربی ارایه می‌کند. با این حال خوانش نظرات وبر برای تبیین پیدایش شهر و شهرنشینی در ایران بی‌توجیه نیست خصوصاً اینکه بسیاری از نظریه پردازان شهر ایرانی همانند اشرف، پیران، پاکزاد و... اساساً تحت تأثیر نگرش‌های مطرح شده در آثار وبر بوده‌اند.

نظریه سرمایه داری بهره‌بری

هانس بوبک جغرافیدان آلمانی در سال ۱۹۴۸ با انتقاد از نظریه تکامل مارکسیستی، معتقد است برای تدوین نظریه تکامل تنها مولفه‌های اقتصادی و سیاسی کافی نیستند بلکه مولفه‌های جغرافیایی، تما می‌بردارهای جامعه از جمله اقتصاد و سیاست را تحت تأثیر قرار می‌دهند (رهنمایی، ۱۳۷۳). وی با این رویکرد مراحل شکوفایی اجتماعی و اقتصادی جوامع را در شش مرحله طبقه بندی می‌کند: ۱. معیشت مبتنی بر شکار ۲. مرحله ورزیدگی در شکار، صیادی و گردآوری خوراک ۳. مرحله کشاورزی عشیره‌ای با فعالیت های جانبی در زمینه دامداری شبنانی ۴. مرحله جامعه کشاورزی با تشکیلات حکومتی سازمان یافته ۵. مرحله عناصر شهری قدیمی و سرمایه داری بهره‌بری ۶. مرحله سرمایه داری مولد، جامعه صنعتی و عناصر شهری جدید (رهنمایی، ۱۳۷۳).



شکل ۱: شش مرحله شکوفایی اجتماعی و اقتصادی جوامع از نظر بوبک

بویک شهرهای شرقی را از مصادیق اصلی مرحله پنجم می‌داند. تعبیر وی از اقتصاد شهری در شهرهای شرقی اقتصادی است مبتنی بر مالکیت که از ائتلاف و ارتباط تنگاتنگ در منافع مشترک بین حکومت و شهر، از طریق تملک و تصاحب بهره یا رانت در فعالیت‌های کشاورزی و پیشه‌وری به دست می‌آید و از طریق تجاری کردن این بهره نوعی سرمایه داری به وجود می‌آید که وی آن را سرمایه داری بهره‌بری می‌نامد (رهنمایی، ۱۳۷۳). بر اساس این نظریه مالکان ساکن در شهر (مالکان غائب) قسمت اعظم اراضی روستایی را در مالکیت و کنترل داشتند، سهم عظیمی از تولیدات و محصولات کشاورزی روستا را می‌گرفتند (رهنمایی و همکاران، ۱۳۸۹) و عواید ناشی از آن را در جریان فعالیت‌های تجاری شهر سرمایه گذاری می‌نمایند که این کار به تجاری کردن بهره مالکانه موسوم است. بر اساس این نظریه، شهرهای مشرق زمین تا آنجایی که به عملکرد اقتصادی‌شان در ارتباط با حومه‌های روستایی مربوط است، غالباً گیرنده هستند تا دهنده و به همین دلیل زندگی انگلی و روبنایی دارند (علی اکبری، ۱۳۸۳). بویک معتقد است حاصل این فرایند از هزاره دوم پیش از میلاد به بعد یعنی در طول چهار هزار سال به رشد و توسعه اقتصادی شهرها در مشرق زمین منجر شده است.

نظریه تداوم تاریخی یا نظریه از شار تا شهر

نظریه از شار تا شهر که توسط سید محسن حبیبی مطرح شده، بر ایده تداوم تاریخی در شکل‌گیری و گسترش شهر در ایران تاکید دارد. حبیبی بر این باور است که سیمای کالبدی بسیاری از شهرهای قدیمی ایران، چه در دوران قبل از اسلام و یا پس از آن، ارتباط مستقیمی با نحوه نگرش به جهان دارد. همچنین باید از پدیده «غارت‌دفاع» به عنوان یک عامل اقتصادی نام برد که در مکان‌یابی شهرها و ایجاد استحکامات به شیوه‌های مختلف در آنها مؤثر بوده‌اند. وی درخصوص تأثیر عامل «محیط یا اقلیم» نیز معتقد است که بدون وجود این عامل، شکل‌گیری شهرها ممکن نبوده و علیرغم پیشرفت تکنولوژی در ایجاد شرایط زیستی مصنوعی، هنوز هم کلام آخر را در سازماندهی فضایی این عامل می‌زند (حبیبی، ۱۳۷۸). لذا حبیبی عوامل تشکیل دهنده فضا (شهر) از زمان تشکیل آن تاکنون را به صورت زیر فرم دهی می‌کند:

- ۱- مسائل جهان‌بینی (نحوه نگرش به جهان) دین، مذهب، مسلک، فرق متفاوت اجتماعی و مذهبی و...
- ۲- عامل اقتصادی یا چگونگی تعریف مادی جهان و چگونگی تولید و توزیع ثروت، گردش کالا، نحوه تولید، توزیع، و مصرف محصولات و رابطه آن با ساخت کالبدی- پدیده غارت-دفاع به زیر مجموعه این عامل بوده و نقش تعیین کننده‌ای در بررسی‌ها دارد.
- ۳- عامل محیط یا اقلیم یا چگونگی تعریف زیست محیطی جهان آب و هوا، همواری و ناهمواری... (اعتقاد به نقش برتر این عامل در بین طرفداران آن) می‌داند.



شکل ۲: نمودار عوامل موثر بر شکلگیری و افول شهرها بر اساس نظر حبیبی

حبیبی معتقد است که ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی شهرهای اسلامی تا حد زیادی نظریه مارکس را درباره توسعه نیافتگی تقسیم کار اجتماعی میان کشاورزی، مبادلات و تولیدات صنعتی تایید می‌کند. به طوری که در شهرهای ایرانی دوره اسلامی نمی‌توان از تمایز مطلق و کشاکش میان شهر و ده سخن گفت؛ در نتیجه مناسب ترین مفهومی که می‌توان به کار برد منطقه شهری است که شامل شهر و منطقه نفوذ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مذهبی و فرهنگی آن در روستاهای پیرامون است که مجموعه به هم بسته و یکپارچه ای را تشکیل می‌دهند. در این معنا شهر و روستا تعریف می‌شوند و وجود منطقه شهری به دلیل ناقص عمل کردن تقسیم کار اجتماعی نبوده بلکه بر اساس وحدت کار اجتماعی تلقی می‌گردد. در این نظام، سازمانی که از بین‌النهرین با شکلگیری مفهوم خدایشاهی شکل گرفته و با اشکال فره ایزدی، خلیفه الارضی، ظل‌اللهی ادامه می‌یابد، لذا راس هرم جامعه ایلی و روستایی در این همناوی در کنار جامعه شهری مشاهده می‌شود و از اینجاست که می‌توان وابستگی خونی و نسبی را در شهر نسبت به روستایی خاص حس کرد.

نظریه آبادی

پرویز پیران، بر پایه پژوهشی درخصوص شهرشناسی در ایران، سه نظریه پیوسته ارائه می‌دهد که عبارتند از:

- نظریه راهبرد و سیاست سرزمینی جامعه ایران
- نظریه آبادی به جای شهر در ایران، خاور میانه و دنیای اسلام
- تفکیک مقیاس شهری و مقیاس ابنیه منفرد و رابطه این دو با وجود شهروند، عرصه عمومی یا مشاع (پیران، ۱۳۸۴a).

از نظر پیران پایه و اساس شکل‌گیری شهر در ایران با توجه به موقعیت استراتژیک سرزمینی آن، ناشی از جایگاه نظامی است که امنیت را در سرزمین ایجاد می‌کند و به همین دلیل هرگاه امنیت تحلیل می‌رود، زندگی شهری انحطاط می‌یابد. لذا وجود قدرتی یکپارچه و نیرومند که بتواند امنیت را پایدار کند، همواره از الزامات زندگی ایرانی بوده است (شقاقی، ۱۳۹۰، ۶۰). وی با اتخاذ نگرش جامعه‌شناسانه گیدنز معتقد است که کنشگر با اراده آزاد در جریان این مبادله وارد می‌شود. فرد روستایی با دیدن اینکه مازاد به هر حال از روستا خارج می‌شود ترجیح می‌دهد که زیر لوای یک نظام زورمدار متمرکز قرارگیرد که امنیت وی را تامین می‌کند. پیشه‌ور شهری و تاجر شهری نیز امنیت تجارت خود را علی‌رغم صدمه‌ای که از استبداد می‌خورد در این بازتولید می‌بیند. ایلات هم به دلیل اینکه نیروی اصلی نظام زورمدار را ایجاد می‌کردند از آن سود می‌بردند. بر این اساس نیروهای تغییر آفرین با یکدیگر به توافق رسیده و این استبداد را بازتولید می‌کردند (پیران، ۱۳۸۴a).



شکل ۳: نمودار نظریات پیران در خصوص شهر، جامعه و تاریخ ایران

از نظر پیران گرچه جمعیت و وسعت، مهمترین ملاک‌های تفاوت سکونتگاه‌ها به شمار می‌رفته اند، هیچ یک امری قطعی نبوده‌اند. نکته مهم اشاره به سکونتگاهی به‌عنوان شهر در یک منبع و در منبعی دیگر با عنوان روستاست. لذا به کار بردن واژه‌هایی نظیر بلد، بلوک، قریه، قصبه، مصر، روستا و خوره تنها در مقابل بیابان و محل نامسکون یا به بیان ساده، آباد و ناآباد اهمیت پیدا می‌کند. این همسانی تمامی سکونتگاه‌های پایدار، سبب عدم شکل‌گیری متغیرهایی می‌شده که به تضاد شهر و روستا منجر می‌شوند و «از این رو آباد در مقابل ناآباد اهمیتی جوهری پیدا می‌کند. در همان حال تمامی وجوه متمایز کننده سکونتگاه‌های پایدار از یکدیگر عرض محسوب می‌شوند و نه جوهری (پیران، ۱۳۸۴b)» مانند مسجد جامع. از سوی دیگر تمامی فعالیت‌های روستایی را در شهرهای گذشته حتی فراتر از روستا می‌توان یافت. این چنین تناقضی در درون کالبد شهر نیز هویدا می‌شود. ساختمان‌های حکومتی، دینی، نظامی که معمولاً بر پایه معیارهای زمان خود و در عالم مقایسه آراسته نگهداری شده و تا حدودی مستحکم‌اند و سایر ساختمان‌ها که بخش اعظم آنها مسکونی‌اند، نامستحکم، تنگ و باریک بنا شده از خشت و زمخت و نازیبا و گاه بیغوله ماندند (پیران، ۱۳۸۴a) و حذف آنها از بافت شهری تشخیص تمایز شهر از روستا را مشکل می‌سازد. در نهایت پیران دو نتیجه می‌گیرد: اول اینکه جستجو برای یافتن نظریه شهری در ایران راه به جایی می‌برد. دوم آنکه نظریه شهری می‌تواند خارج از گزاره‌هایی که از نفس شهر بودن سرچشمه می‌گیرند بنا شود. تمامی ملاک‌هایی که شهر را از غیر شهر جدا می‌کند موضوعیت خود را برای استنتاج نظریه شهری از دست می‌دهند (پیران، ۱۳۸۴b). به باور پیران ملاک‌های تمایز انواع سکونتگاه‌های انسانی در ایران عرضی، نسبی و قراردادی است و آنچه که جوهری است و پژوهش شهرشناسی نشان می‌دهد وجود طیفی است که آبادی نام می‌گیرد و آباد را در مقابل ناآباد، معطل و رها شده مطرح می‌سازند (پیران، ۱۳۸۴b). لذا عواملی که وجود نظریه شهر، آنچنان که شهر غربی وابسته به آن می‌باشد، در فلات ایران موجودیت پیدا نکرده و معیار نظامی-سیاسی یعنی همان عامل موحده شهر، مبنای تقسیم بندی شهر از ناشهر می‌باشد.

نظریه دولت و شهرنشینی

رهنمایی در سال ۱۳۷۳ با نقد نظریه بوبک، نظریه خود را با عنوان دولت و شهرنشینی مطرح می‌سازد. این نظریه مفهوم «دولت حاکم-کارگزار-کارفرما» را مطرح می‌کند و معتقد است دولت برای انجام امور کارگزاری، هم برای تصدی‌گری و کارفرمایی و هم برای اعمال حاکمیت خود به پایگاه‌های شهری بر استقرار عناصر و عوامل خود نیازمند است و به همین دلیل برای رسیدن

به اهداف عملیاتی خود در هر سه حوزه، ناگزیر از تقویت و افزایش تعداد شهرهاست (مشکینی و رحیمی، ۱۳۹۲). بر اساس این تئوری دو عامل نفتی شدن اقتصاد و تکوین نظام جدید دیوانسالاری در توسعه شهری دخیل است (تقیلو و عبداللهی، ۱۳۹۲) و به کمک درآمد به دست آمده از نفت طی یک صد سال گذشته سازمان نوینی به نام دولت در گستره اقتصادی شهر وارد میدان شد (نظری، ۱۳۸۳). در نظام سنتی مدیریت کشوری تنها وظیفه ای که حکومت برای خود متصور بود، تامین امنیت نسبی بود که بخشی از هزینه‌های آن از مردم تامین می‌شد. در دیوانسالاری جدید منابع درآمدی کشور در وزارت دارایی متمرکز می‌شد و اداره امور و ایالات و ولایات که در تقسیم بندی جدید کشور، استان، شهرستان، بخش و دهستان نامیده شدند و بر اساس میزان اعتبارات تخصیص داده شد، به کارگزاران منصوب دولت، یعنی استانداران، فرمانداران و... واگذار شد. دولت با نهادینه کردن ساختارهای جدید، عملاً مدیریت کشوری، منطقه ای، شهری را در حوزه اقتدار و تصمیم‌گیری خود قرار داد و توانست از طریق نهادهای قانونی مستقر در شهرها، عملاً اراده حاکمیتی خود را بر جوامع شهری و غیر شهری اعمال نماید (رهنمایی، ۱۳۸۸). به نظر رهنمایی بعد از دهه ۱۳۴۰ دولت از موقعیت کارگزاری به موقعیت کارفرمایی بزرگ و کلانی در کشور رسیده است و از آنجایی که شهرها پایگاه اصلی حکومت و دولت جدید بودند، دولت با بهره‌گیری از منابع درآمدهای نفتی، تزریق اعتبارات عمرانی و جاری در شهرها، عملاً در توسعه شهر و شهرنشینی به دخالت گسترده ای پرداخت. توجه عمده به شهرها دولت را از توجه به وضعیت نابسامان روستاها بازداشت و طی این روند بود که شکاف میان جامعه شهری و روستایی بیشتر شده و سرانجام از دهه ۱۳۴۰ به بعد که اصلاحات ارضی مناسبات سنتی میان مالک و زارع را درهم شکست، سیل مهاجرت به شهرها آغاز شد (رهنمایی، ۱۳۸۸). دولتی که پس از انقلاب اسلامی به وجود آمد نیز هم شهرمدار و شهرمحور است. این دولت ریشه و پایگاه مردمی خود را چه از نظر ایدئولوژیکی و چه اقتصادی در جامعه شهری بنیان نهاده و می‌توان گفت که حتی غلیظ تر از انقلاب مشروطیت ماهیت شهری دارد (رهنمایی، ۱۳۸۸). لذا دولت شهرمدار و شهرمحور که منافع سیاسی و اقتصادی آن با اقتصاد جوامع شهری پیوند ارگانیک دارد، می‌تواند در رشد و توسعه شهرنشینی نقشی نداشته باشد (رهنمایی، ۱۳۸۸). رهنمایی در یک نگاه آماری استدلال می‌کند اینکه طی دهه ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ تعداد شهرهای ایران از ۶۱۴ شهر به ۱۰۱۸ شهر افزایش می‌یابد یک فرایند غیر طبیعی است که تنها و تنها به وسیله دولت و اراده حاکمیتی دولت اعمال می‌شود (رهنمایی، ۱۳۸۸). از این رو توسعه شهرها به نوعی با منافع حاکمیتی، کارگزاری و کارفرمایی دولت و برخورداری اعتباری و مادی مترتب بر آن پیوند خورده است.

تحلیل و جمع بندی

طیف گسترده این نظریات تامل درباره ویژگی‌های تاریخی شهر و شهرنشینی در ایران را با دشواری رو به رو می‌سازد. با این حال وجوه مشترکی می‌توان میان این دیدگاه‌ها یافت که تبیین کننده جریان اساسی مستتر در شهرنشینی ایران خواهد بود. در ادامه این ویژگی‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند.

موضع هستی شناسانه

جدال بین مارکسیست‌ها و غیر مارکسیست‌ها درباره تبیین منشا شهرنشینی را می‌توان به اختلافات هستی شناختی میان آنها نسبت داد. نظریه شیوه تولید آسیایی یکی از فرم‌اسیون‌های تاریخی تئوری عمومی دوره‌بندی تاریخ بشری نزد کارل مارکس و برخی پیروان اوست، در حالی که تئوری سرمایه داری بهره‌بری هانس بوبک یکی از مراحل اجتماعی-اقتصادی از دید جغرافیا در دوره‌بندی تاریخ بشری در چارچوب نظام اقتصادی آزاد محسوب می‌شود. نظریه ماکس وبر نیز از رویکرد سرمایه داری به

تحلیل شهر می‌پردازد. با این حال در نزد نظریه پردازان نظریه آبادی و نظریه شار تا شهر صحبت از رویکرد مارکسی یا سرمایه‌داری به مفهوم وبری دارای ابهام است. گرچه پیران اساساً در تحلیل‌های خود از مفهوم شهر به دیدگاه‌های وبری رجوع می‌کند لیکن در تحلیل‌های اولیه خود اذعان می‌کند که نظام تولید آسیایی مناسب بیشتری برای تحلیل جامعه ایران و شهر ایرانی دارد. از آنجا که دیدگاه‌های حبیبی با دیدگاه‌های اشرف مشابهت دارد تبعاً می‌توان رگه‌هایی از دیدگاه وبری در ترکیب با دیدگاه آسیایی را در آن دید.

نکته مهم دیگر این است که تحلیل‌های مارکس در باب شیوه تولید آسیایی و ماکس وبر در خصوص شهرهای شرقی به طور عام شهرهای آسیایی را مورد نظر قرار می‌دهند و به شرایط خاص ایران زمین می‌پردازند. از سوی دیگر ایران‌زمین در طول دوره‌های تاریخی دارای محدوده جغرافیایی یکسانی نبوده و لذا شرایط اجتماعی، تاریخی و اقتصادی آن متفاوت بوده است. نباید از یاد برد که تحلیل‌های اشرف در خصوص شهرایرانی از جمله منابع نظری سایر نظریه پردازان ایرانی بوده و ایشان چه به طور مستقیم و چه غیر مستقیم تحت تاثیر دیدگاه‌های وی بوده‌اند گرچه وی دیدگاه‌های خود را تحت لوای یک نظریه مستقل ارایه نکرده است.

ویژگی‌های شهر و روستا

مارکس در بحث خود از شیوه تولید آسیایی بر طبیعت بی‌تمایز شهر و روستا در آسیا، فقدان علایق جمعی و مستبدانه بودن دخالت حکومت‌های آسیایی تاکید می‌کند. ماکس وبر نیز میان شهرهای کوچک و روستاها در شرق تمایزی قایل می‌شود و تنها در شهرهای بزرگ است که وجود مراکز حکومتی و نیز بازار و تجارت وجه مشخصه شهری را مشخص می‌سازند. در دیدگاه حبیبی وحدت اجتماعی کار و وحدت قومی معنا و مفهوم خاصی پیدا کرده و ظهور و سقوط شهر و روستاهای تابع شهر را به آن نسبت می‌دهد؛ لذا وی اساساً بر منطقه شهری تاکید می‌کند. نظریه سرمایه‌داری بهره‌بری بر نظام ارتباطات فضایی شهر با پسرکرانه خود استوار است و فرایند توسعه شهرنشینی را در مقیاس منطقه شهری می‌بیند که رشد شهرها حاصل پیوستگی تنگاتنگ میان منافع مشترک بین حکومت و طبقه زمینداران بزرگی است که در شهرها ساکن بودند. در نظریه سرمایه‌داری بهره‌بری شهر اساساً گیرنده است و روستا دهنده و لذا شهر اساساً خصلتی انگلی دارد. در نظریه آبادی اساساً مفهوم شهر و غیر شهر زیر سوال رفته و مفهوم آباد در برابر ناآباد مطرح می‌شود. نظریه دولت و شهرنشینی با تاکید بر دولت به مثابه بازیگر اصلی، شهرنشینی و شهرهای ایران را بر دشتی همسان از نظر جغرافیایی قرار می‌دهد و بر اختلافات ناحیه ای و نیروهای فراقلمرویی تاکید می‌کند (مشکینی و رحیمی، ۱۳۹۲). در این نظریه اساساً تعریف شهر از غیر شهر مشخص نبوده و در واقع آنچه را که به‌عنوان شهر مورد تحلیل قرار می‌دهد سکونتگاه‌هایی است که توسط دولت یا حکومت به‌عنوان شهر شناخته می‌شوند.

عوامل موثر بر شکلگیری و تحول شهرها

در همه نظریات مورد بحث عامل اقتصادی یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری و تحولات شهری محسوب می‌شود. نظریه شیوه تولید آسیایی علاوه بر عامل اقتصادی، عامل اقلی می‌را مد نظر قرار می‌دهد؛ در واقع ناتوانی نظریه پردازان از توسل به عامل اقتصادی برای تبیین کل فرم‌اسیون‌های اجتماعی و اقتصادی در ایران آنها را به سمت عامل اقلیمی برای توضیح شرایط حاصله می‌پردازد. در نظریه آبادی عامل تجارت و دفاع با هم ترکیب می‌شوند که باز هم شرایط جغرافیایی و ژئوپلیتیک را بازتاب می‌دهد. در نظریه از شار تا شهر عوامل فرهنگی و دفاعی وزن بیشتری پیدا می‌کنند و بسیاری از شهرها را دارای منشا فرهنگی هستند؛ گرچه بر عامل دفاع و اقلیم نیز تاکید می‌شود. نظریه دولت و شهرنشینی از آنجایی که توجه اساسی به نقش دولت و

عوامل سیاسی دارد اقتصاد را نیز از این منظر تحلیل می‌کند و بدین ترتیب بار کمتری را برای سایر عوامل حاصل می‌شود و حتی گاهی آنها را نادیده می‌انگارد.

بنیان‌های اقتصادی حیات بخش به شهر

ویژگی مشترک میان همه نظریات این است که به شهر به عنوان محلی برای استقرار فعالیت‌های تجاری و بازرگانی نگاه می‌شود. در نظریه شیوه تولید آسیایی، تجارت در رابطه با استثمار مناطق پیرامونی روستایی شکل می‌گیرد ولی دامنه آن تا سطح بین‌المللی ادامه دارد. وبر و پیران بر اهمیت تجارت بین‌المللی تاکید می‌کنند. وبر معتقد است که شهر مکان بازاری دایمی است. بوبک اساساً زهکشی مازاد تولید به سمت شهرها را در شکل دهی به بنیان‌های اقتصادی شهر مورد نظر قرار می‌دهد. حبیبی وحدت جامعه روستایی و شهری را در شکل‌دهی به تجارت ملی و فراملی مهم می‌داند. گرچه همه این نظریه‌پردازان اساساً بنیان‌های اقتصادی را در ارتباط با تجارت منطقه‌ای و ملی مورد نظر قرار داده‌اند، رهنمایی اساساً معتقد است که نه مازاد تولید محلی و نه ویژگی‌های تجاری بلکه مازاد ملی در شکل‌دهی و شکل‌گیری شهرها موثرند.

گروه‌های اجتماعی بنیادی مستقر در شهر

در همه نظریات مورد بررسی اساساً شهر محل استقرار طبقه حاکمه یا کارگزاران حکومتی است. ماکس وبر و به پیروی از او پیران عقیده دارند که شهرهای شرقی محل حضور حکام سیاسی همراه با تاجران هستند. بوبک شهرهای شرقی را محل حضور مالکان می‌داند. حبیبی معتقد است که شهر محل استقرار برگزیدگان هر سه طیف شهری، روستایی، ایلی است که در هماهنگی و یا تضاد با یکدیگر آینده شهر یا سرزمین را تعیین می‌کنند. رهنمایی شهر را بیشتر از جنبه استقرار کارگزاران دولتی تحلیل می‌کند و معتقد است که اساساً سایر گروه‌های مستقر در شهر به نوعی تحت تاثیر این گروه قرار دارند.

مقطع زمانی مورد تحلیل

تمامی این نظریات سعی کرده‌اند که از زمان پیدایش شهر و شهرنشینی در ایران (یا منطقه خاورمیانه) به تحلیل ویژگی‌های شهری بپردازند با این حال نظریه دولت و شهرنشینی در این میان استثناست. این نظریه برش زمانی مورد تحلیل خود را از زمان انقلاب مشروطه تا زمان کنونی قرار می‌دهد با این حال تاکید بیشتر را بر دوره پس از اصلاحات ارضی متمرکز می‌سازد.

ویژگی‌های کالبدی شهر

به طور سنتی نظریه پردازان به اهمیت بناهای حکومتی، بازار، مسجد جامع، مدارس و... در بازشناسی کالبدی شهر و روستا تاکید داشته‌اند. ویژگی مشترک تمام نظریات یاد شده این است که بناهای حکومتی را به عنوان اصلی‌ترین جنبه کالبدی شهر بر می‌شمارند. وبر، بوبک، و حبیبی بر وجود بازار نیز به عنوان یکی از ابعاد اساسی کالبدی شهر تاکید دارند که در واقع ناشی از توجه ایشان به وجهه تجاری شهر است. پیران با اینکه به اهمیت تجارت در شکل‌گیری شهرهای ایرانی تاکید می‌کند ولی اساساً تک بناهای منفرد احداث شده را ویژگی شهرهای ایرانی می‌داند. رهنمایی نیز اهمیت اساسی را ساختمان‌های اداری-سیاسی و خدمات مالی می‌دهد که ناشی از رویکرد وی در اهمیت دادن به نقش دولت و مازاد ملی در تحولات شهری کشور است.

نتیجه گیری

همه نظریات مورد بحث گرچه به نوعی پویایی نظام شهری را توضیح می‌دهند ولی عوامل موثر بر برتری یک سکونتگاه به دیگر سکونتگاه‌ها برای تبدیل به شهر را به طور دقیق تبیین می‌کنند. به علت دخالت عوامل مختلف محیطی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و سیاسی اداری در خصوص پیدایش شهر، عوامل و متغیرهای شکل دهنده شهرها بسیار متنوع بوده و به سادگی می‌توان آنها را در چارچوب الگوهای نظری و ذهنی از پیش تعیین شده بررسی کرد. مستقل از برداشت‌های گوناگون نظری آنچه بیش از هر چیز باید در نظر گرفته شود، ویژگی‌های زمانی و مکانی است، یعنی توجه به شکل روابط در مکان‌های مختلف که بنابر مقتضیات زمانی و روندهایی که نوع و دامنه تحول و دگرگونی روابط را مشخص می‌سازد، تغییر می‌یابد. از نظر تاریخی اعتبار بخشی به موقعیت شهری در ایران با اراده دولت یا حاکمیت صورت می‌گرفته است. با این حال این موقعیت بخشی با آنچه در اروپا وجود داشته است متفاوت است. شهر اروپایی می‌توانست یک موجود مستقل از دولت باشد که خود دارای منشور شهری و اعتبار خارجی بوده است؛ ولی شهر ایرانی اساساً بر مبنای تایید دولت یا حاکمیت و استقرار آن در شهر موجودیت و رسمیت پیدا می‌کند. لذا گرچه از نظر تاریخی محققین ویژگی‌های گوناگونی برای شهرهای ایرانی (مانند داشتن مسجد جامع یا بازار از نظر کالبدی، جمعیت زیاد، استقرار مالکان و...) ذکر کرده‌اند با این حال به باور نگارنده اصلی‌ترین مشخصه و عنصر شهرهای ایرانی (و شاید خاورمیانه) استقرار دولت و حاکمیت در آن است. می‌توان دید که تقریباً در همه نظریات اشاره شده، شهر به عنوان محل استقرار طبقه حاکم و محل کارگزاری دولتی در نظر گرفته است؛ لذا شهر محل حکمرانی است. البته این امر در برخی نظریات (مانند دولت و شهرنشینی) با تاکید بیشتری صورت گرفته است لذا ماهیت و سطح مشروعیت این ویژگی در نظریات مختلف متفاوت است. علاوه بر آن نباید از یاد برد که عملکرد شهر به عنوان محلی برای تجارت و بازرگانی در طول تاریخ مورد تاکید بوده است و می‌توان آن را خصلت ثانوی شهر در ایران دانست. بدین‌سان این دو عامل هم مهمترین عوامل ممیزه شهر بوده‌اند و هم مهمترین عواملی که بر پیدایش آن تاثیر اساسی داشته‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۱: مقایسه نظریات مربوط به پیدایش و تحول شهر در ایران

نظریه	عوامل اصلی	عوامل اصلی	عوامل اصلی	عوامل اصلی	عوامل اصلی	عوامل اصلی	عوامل اصلی	عوامل اصلی	عوامل اصلی
شکلگیری شهر	عوامل اصلی	عوامل اصلی	عوامل اصلی	عوامل اصلی	عوامل اصلی	عوامل اصلی	عوامل اصلی	عوامل اصلی	عوامل اصلی
تولید	اقتصاد + اقلیم	قرارگاه کارگزاران	وابستگی شهر به منطقه + تجارت	سیاسی - تجاری	کل دوران تاریخی شهرنشینی در ایران	اقتصادی	بازتولید رابطه استعماری شهر و منطقه	عدم تمایز شهر و روستا / رابطه استعماری شهر و روستا	ساختمان‌های حکومتی
نظریه ماکس وبر	اقتصاد	استقرار تجار + استقرار حکام سیاسی	شهر به عنوان کانون تجارت	تجاری	کل دوران تاریخی شهرنشینی در آسیا (و ایران)	اجتماعی	تجارت منطقه ای و فرامنطقه	عدم تمایز شهر و روستا	ساختمان‌های حکومتی و بازار
سرمایه داری بهره‌بری	اقتصاد	استقرار مالکان + استقرار حکام سیاسی	زهکشی مازاد تولید روستایی	سیاسی - تجاری	از دو هزار سال قبل از میلاد تا دهه ۱۳۴۰	جغرافیایی و اقتصادی	بازتولید رابطه استعماری شهر و منطقه	ماهیت انگلی شهر	بازار
تداوم تاریخی - از شار تا شهر	فرهنگ + دفاع	استقرار نمایندگان سه جامعه ایلی، روستایی و شهری + حکمرانی	یکپارچگی شهر و منطقه + تجارت	تجاری - تولیدی	از پیدایش حکومت ماد تا ۱۳۵۷ هجری شمسی	فرهنگی	بازتولید حضور جامعه ایلی، روستایی و شهری در شهر + تاثیر پدیده غارت دفاع	شهر به عنوان یک پدیده فرهنگی - اعتقادی	ساختمان‌های فرهنگی، حکومتی و بازار
آبادی	تجارت + دفاع	استقرار تجار + استقرار حکام سیاسی	شهر به عنوان کانون تجارت	تجاری	از پیدایش تاریخی شهر در ایران و خصوصاً دوران بعد از اسلام تا معاصر	اقتصادی	بازتولید نظام تجاری + لزوم ایجاد امنیت	عدم وجود شهر در ایران به معنای رایج و تاکید بر آباد در برابر نآباد	تک بناهای منفرد (احداث شده توسط حکومت)
دولت و شهرنشینی	سیاسی	استقرار نمایندگان دولت	اتکاء بر درآمدهای نفتی خدمات دولتی	سیاسی - اداری - خدماتی	از انقلاب مشروطه تا کنون	سیاسی	بازتولید مناسبات سیاسی جهت	ماهیت سیاسی شهر	بناهای اداری سیاسی و خدمات مالی

جدول ۲: نقاط اشتراک و تمایز میان نظریات پیدایش شهر در ایران

اشتراکات						
تمایزات	نظریه	شیوه تولید آسیایی	نظریه ماکس وبر	سرمایه داری بهره بری	تداوم تاریخی - از شار تا شهر	آبادی
	شیوه تولید آسیایی	-	اهمیت بازار و تجارت	تاکید بر بهره کشی شهر از روستا	تاکید بر وحدت اجتماعی کار	تاکید بر لزوم تامین امنیت توسط حکومت
	نظریه ماکس وبر	تفسیر مارکسیستی در برابر تفسیر سرمایه دارانه (موضوعیت اقتدارگرایانه)	-	اهمیت بازار و تجارت	اهمیت بازار و تجارت	اهمیت بازار و تجارت عدم شکلگیری کامیونیتی
	سرمایه داری بهره بری	تفسیر مارکسیستی در برابر تفسیر سرمایه دارانه (موضوعیت جغرافیایی)	تاکید بر نقش اجتماع در برابر نقش جغرافیا	-	استقرار مالکین در شهر	استقرار مالکین در شهر
	تداوم تاریخی - از شار تا شهر	تاکید بر نقش اقتصاد در برابر نقش جهان بینی	تاکید بر نقش اجتماع در برابر نقش جهان بینی	بهره کشی شهر از روستا در برابر وحدت شهر و روستا	-	رابطه پیوسته شهر و منطقه
	آبادی	اولویت اقتصاد در برابر اولویت امنیت		عاملیت مالکان خصوصی در برابر تاجران	تمایز شخصیت شهر و روستا در برابر عدم تمایز شهر و روستا	-
	دولت و شهرنشینی	تاکید بر اقتصاد در برابر تاکید بر حضور سیاسی دولت	تاکید بر نقش اجتماع در برابر نقش دولت	عاملیت مالکان خصوصی در برابر دولت	عاملیت سه جامعه ایلی، روستایی و شهری در برابر عاملیت دولت	اهمیت ژئوپلیتیک منطقه ای در برابر همگن پنداری جغرافیایی

منابع

- آقازاده، جعفر و ارحمی، مهدی (۱۴۰۳)، جغرافیای تاریخی اردبیل (از ورود اسلام تا تأسیس حکومت صفویه)، جغرافیا و روابط انسانی، doi: 10.22034/gahr.2024.446196.2067
- اشرف، احمد (۱۳۶۰)، شهرنشینی از دیدگاه جامعه‌شناسی تاریخی، نشریه آرش، صص ۹۴-۱۰۶.
- پیران، پرویز (۱۳۸۴a)، نظریه راهبرد و سیاست سرزمینی جامعه ایران، اندیشه ایرانشهر، شماره ۶، صص ۲۲-۳۴.
- پیران، پرویز (۱۳۸۴b)، نظریه آبادی جانشین نظریه شهر، اندیشه ایرانشهر، شماره ۶، صص ۵۶-۹۲.
- تقیلو، علی اکبر و عبداللهی، عبدالله (۱۳۹۲)، توسعه کشاورزی با تاکید بر مناسبات شهر و روستا مطالعه موردی استان آذربایجان غربی، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۲، شماره ۱، صص ۲۹-۵۲.
- چایچیان، محمد علی (۱۳۹۱)، شهر و روستا در خاور میانه، ایران و مصر در گذار تاریخی به جهانی شدن ۱۸۰۰-۱۹۷۰، ترجمه حمیدرضا پارسی و آروز افلاطونی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، (اول ۱۳۹۰).
- حبیبی، سید محسن (۱۳۷۸)، از شار تا شهر، تحلیل تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تاجر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۷۹)، از شهر آسمانی تا شهر زمینی، در گفتگو با حبیب جباری، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۳۹ و ۴۰، صص ۴-۸.
- رمی، ژان (۱۳۵۸)، بینش ماکس وبر، در مفهوم شهر ۲، ترجمه مینا مخبری و محمدرضا حایری، تهران، گروه تحقیقات و مطالعات شهری و منطقه ای، چاپ اول، صص ۱۱۵-۱۳۴.
- رهنمایی، محمد تقی (۱۳۷۳)، دولت و شهرنشینی نقدی بر عناصر شهری قدیم و سرمایه داری بهره‌بری هانس بوبک (۱)، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۲، صص ۱۷-۲۶.
- رهنمایی، محمد تقی (۱۳۸۳)، دولت و شهرنشینی، گفتگو، فصلنامه آبادی، سال ۱۴، شماره ۴۲، صص ۱۱۴-۱۱۷.
- رهنمایی، محمد تقی (۱۳۸۸)، دولت و شهرنشینی در ایران (مبانی و اصول کلی نظریه توسعه شهر و شهرنشینی در ایران)، پیش شماره، زمستان ۱۳۸۸، صص ۱۴۳-۱۶۵.
- رهنمایی، محمد تقی، علی اکبری، اسماعیل و فرجی دارابخانی، محمد (۱۳۸۹)، ساختار شناسی اقتصادی شهری ایران با تاکید بر نقش دولت، مطالعه مورد: سرابله، جغرافیا، سال ۸، شماره ۲۴، صص ۴۷-۶۹.
- ستوده، حسین قلی (۱۳۴۸)، تاریخچه قزوین، بررسی‌های تاریخی، شماره ۲۲، صص ۹۵-۱۳۲.
- سلطانزاده، حسین (۱۳۹۰)، تاریخ مختصر شهر و شهرنشینی در ایران: از دوره باستان تا ۱۳۵۵ ه.ش، تهران، انتشارات چهار طاق، چاپ اول.
- شقاقی، پژمان (۱۳۹۰)، درآمدی بر نظریه آبادی: امنیت و سکونتگاه‌های انسانی در ایران، تهران، انتشارات پژواک، چاپ اول.
- طیبیان، منوچهر (۱۳۷۶)، جریان شکلگیری محیط‌های کهن شهری در ایران در بستر تاریخ، محیط شناسی، شماره ۱۸، صص ۹۵-۱۱۴.

علی اکبری، اسماعیل (۱۳۸۳)، دولت مداری در اقتصاد شهری ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۶، صص ۲۳۵-۲۰۹.

مشکینی، ابوالفضل و رحیمی، حجت الله (۱۳۹۲)، تحلیل مفاهیم فضا و دولت در نظریه دولت و شهرنشینی در ایران، برنامه ریزی و آمایش فضا، دوره ۱۷، شماره ۴، صص ۸۷-۱۱۰.

نظری، عبدالحمید (۱۳۸۳)، نقش دولت در توسعه شبکه ارتباطی و تاثیر آن در تحول سیستم حمل و نقل روستایی با تاکید بر روابط شهر و روستا در ایران (مورد استان گلستان)، مجله جغرافیا و توسعه، صص ۱۸۹-۲۱۴.

Ashraf, Ahmad. "Urbanization from the perspective of historical sociology". *Arash Journal*. (1981): 94-106. (In Persian)

Piran, Parviz. "Theory of Territorial Strategy and Politics of Iranian Society". *Andisheh Iranshahr*. No. 6. (2005a): 22-34. (In Persian).

Piran, Parviz. "Abadi theory as a substitute for Shahr theory". *Andishe Iranshahr*. No. 6. (2005b): 56-92. (In Persian)

Taghilo, Ali Akbar and Abdullahi, Abdullahi "Agricultural development with an emphasis on city-rural relations. a case study of West Azarbaijan Province". *Space Economy and Rural Development Quarterly*. Year 2. Number 1. (spring 2012): 29-52. (In Persian)

Chaichian, Mohammad Ali. *Town and Village in the Middle East, Iran and Egypt in the Historical Transition to Globalization 1800-1970*. translated by Hamidreza Parsi and Arouz Aflatoon. Tehran. Tehran University Press. second edition, 2012. (In Persian)

Habibi, Seyyed Mohsen. *From town to city, a historical analysis of the concept of the city and its physical image of thought and impression*. Tehran. Tehran University Press, 1999 (In Persian).

Habibi, Seyyed Mohsen. "from the heavenly city to the earthly city". in a conversation with Habib Jabari. *Book of the Month of Social Sciences*. No. 39 and 40. (2000): 4-8. (In Persian)

Remmi, Jean. *Max Weber's vision. in the concept of the city*. translated by Mina Mokhbari and Mohammadreza Hairi. Tehran. Department of Urban and Regional Studies and Research. first edition. (1980): 115-134. (In Persian)

Rahnamai, Mohammad Taqi. "Government and urbanism. a critique of the old urban elements and exploitative capitalism of Hans Bobek (1)". *Geographical Research*. No. 32. (1994): 17-26. (In Persian)

Rahnamai, Mohammad Taqi. "Government and Urbanization. Conversation". *Abadi Quarterly*. Year 14. Number 42. (2013): 114-117. (In Persian)

Rahnamai, Mohammad Taqi. *Government and Urbanization in Iran (Basics and General Principles of the Theory of City Development and Urbanization in Iran)*. First Issue. (Winter 2018): 143-165. (In Persian)

Rahnamai, Mohammad Taqi, Ali Akbari, Esmail and Faraji Darabkhani, Mohammad. "Urban economic structure of Iran with an emphasis on the role of the government. case study: Sarableh". *Geography*. Year 8. Number 24. (Winter 2009): 47-69. (In Persian)

Sotoudeh, Hossein Qoli. "History of Qazvin". historical reviews. number 22. (1969): 132-95. (In Persian)

Sultanzadeh, Hossein. *A Brief History of the City and Urbanization in Iran: From the Ancient Period to 1355 A.H.*. Tehran. Chahar Taq Publications. first edition, 2011. (In Persian)

Shaghaghi, Pejman. *An Introduction to the Theory of Settlement: Security and Human Settlements in Iran*. Tehran. Pajhwok Publications. first edition, 2018. (In Persian).

- Tabibian, Manouchehr. "the process of formation of ancient urban environments in Iran in the context of history". *Environment*. No. 18. (2016): 114-95. (In Persian)
- Ali Akbari, Ismail. "Governmental governance in the urban economy of Iran". *Journal of Economic Research*. No. 66. (2004): 209-235. (In Persian)
- Meshkini, Abolfazl and Rahimi, Hojatullah. "analysis of the concepts of space and government in the theory of government and urbanization in Iran". *Journal of Spatial Planning*. Volume 17. Issue 4. (winter 2012): pp. 110-87. (In Persian)
- Nazari, Abdolhamid. " The Role of Government in the Development of Communication Network and its Effect on the Change of Rural Transport System in Iran With Emphasis on the City and Village Connection (Case: Golestan Province)". *Geography and Development*. Volume 2, Issue 3 (winter 2013): 189-214. (In Persian)

